

Representation of Supernatural Beings in the Ta'ziyeh Scripts "Awj ibn 'Unuq" and "The Well of Bi'r al-'Ilm": An Intertextual Study Based on *Ardā Wīrāz Nāmag* and Gérard Genette's Theory

Shahram Ahmadzadeh¹, Aysan Khosh-Tarash²

Abstract

Ta'ziyeh, as one of the most important forms of ritual drama in Iran, provides a medium for representing sacred, mythological, and superhuman concepts. In many Ta'ziyeh scripts, supernatural beings such as angels, jinn, demons, and otherworldly forces play a significant role in shaping dramatic action, the opposition between good and evil, and the production of ritual meanings. The present study aims to examine the ways in which supernatural beings are represented in the Ta'ziyeh scripts "Awj ibn 'Unuq" and "The Well of Bi'r al-'Ilm" and to analyze their intertextual relationships with *Ardā Wīrāz Nāmag*. The main research question concerns how these beings are represented in the aforementioned texts and what intertextual patterns can be identified between them and *Ardā Wīrāz Nāmag*. The study employs a descriptive-analytical method based on library research, and its theoretical framework is grounded in Gérard Genette's theory of intertextuality. The findings indicate that, despite contextual differences, the Ta'ziyeh scripts under study draw upon patterns shared with the narrative structure of *Ardā Wīrāz Nāmag* in their representation of supernatural elements. In both texts, supernatural beings function as intermediaries between the human world and the sacred realm, revealing concepts such as reward, punishment, guidance, and the opposition between good and evil. However, in Ta'ziyeh, these beings acquire dramatic and ritual functions and become connected to the audience's collective experience, whereas in *Ardā Wīrāz Nāmag*, greater emphasis is placed on their didactic and moral functions. Ultimately, the findings demonstrate that Ta'ziyeh is not merely a reflection of ancient texts but rather a creative reconfiguration of supernatural elements within a theatrical context.

Keywords: Ta'ziyeh, supernatural beings, representation, intertextuality, *Ardā Wīrāz Nāmag*, Gérard Genette.

1. M.A. in Dramatic Literature, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author). Shahram13592000@gmail.com

2. B.A. in Dramatic Literature, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. aysa.yuki@gmail.com

بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌های «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم»: مطالعه‌ای بینامتنی با تکیه بر ارداویراف‌نامه و نظریه ژرار ژنت

شهرام احمدزاده^۱، آی سان خوش‌تراش^۲

چکیده

تعزیه به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های نمایش آیینی ایران، بستری برای بازنمایی مفاهیم قدسی، اسطوره‌ای و فرانسانی فراهم می‌کند. در بسیاری از تعزیه‌نامه‌ها، موجودات فراطبیعی همچون ملائکه، اجنه، دیوان و نیروهای فرازمینی نقش مهمی در شکل‌دهی به کنش نمایشی، تقابل خیر و شر و تولید معناهای آیینی دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه‌های بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌های «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم» و تحلیل روابط بینامتنی آن‌ها با ارداویراف‌نامه انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش این است که این موجودات چگونه در متون یادشده بازنمایی می‌شوند و چه الگوهای بینامتنی میان آن‌ها و ارداویراف‌نامه قابل شناسایی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و چارچوب نظری آن بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت استوار شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعزیه‌نامه‌های مورد بررسی، با وجود تفاوت‌های زمینه‌ای، در بازنمایی عناصر فراطبیعی از الگوهایی مشترک با ساختار روایی ارداویراف‌نامه بهره می‌برند. در هر دو متن، موجودات فراطبیعی به عنوان واسطه میان جهان انسانی و امر قدسی عمل کرده و مفاهیمی چون پاداش، عذاب، هدایت و تقابل خیر و شر را آشکار می‌سازند. با این حال، کارکرد این موجودات در تعزیه ماهیتی دراماتیک و آیینی یافته و به تجربه جمعی مخاطب پیوند می‌خورد، در حالی که در ارداویراف‌نامه بیشتر بر کارکرد تعلیمی و اخلاقی تأکید می‌شود. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد تعزیه نه صرفاً بازتاب متون کهن؛ بلکه بازآفرینی خلاقانه عناصر فراطبیعی در بستر نمایش است.

واژه‌های کلیدی: تعزیه، موجودات فراطبیعی، بازنمایی، بینامتنیت، ارداویراف‌نامه، ژرار ژنت.

۱. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز. تهران. ایران (نویسنده

مسئول). Shahram13592000@gmail.com

۲. کارشناسی ادبیات نمایشی. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز. تهران. ایران. aysa.yuki@gmail.com

۱. مقدمه

در مطالعات ادبیات و نمایش معاصر، متن دیگر پدیده‌ای مستقل و خودبسنده تلقی نمی‌شود؛ بلکه در شبکه‌ای از روابط میان‌متنی معنا می‌یابد؛ روابطی که نظریه‌پردازان از آن با عنوان «بینامتنیت» یاد می‌کنند. بر این اساس، معنا نه در انزوای متن؛ بلکه در پیوند آن با متون پیشین و هم‌زمان شکل می‌گیرد و فرآیند خوانش، به ردیابی این پیوندها وابسته است. «نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های هنری و در کل فرهنگی در شکل‌گیری معنای یک اثر ادبی اهمیتی اساسی دارند. نظریه‌پردازان امروزی متن‌ها، خواه ادبی و خواه غیرادبی را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند. متون در واقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه‌پردازان اکنون آن را امر بینامتنی می‌نامند» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۰). نظریه بینامتنیت که نخستین بار توسط ژولیا کریستوا^۱ مطرح شد، در ادامه توسط ژرار ژنت گسترش یافت و به یکی از مهم‌ترین رویکردهای تحلیل متون ادبی و نمایشی تبدیل شد. پژوهش حاضر نیز با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژنت، به مطالعه بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه و نسبت آن با متون کهن ایرانی می‌پردازد. تعزیه به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های نمایش آیینی ایران، ساختاری نمایشی و معنایی مبتنی بر مفاهیم دینی، اسطوره‌ای و فرانسائی دارد. در بسیاری از تعزیه‌نامه‌ها، موجودات فراطبیعی همچون ملائکه، اجنه، شیاطین و موجودات شگفت، نقشی مؤثر در شکل‌دهی به کنش نمایشی، تقابل خیر و شر و انتقال مفاهیم آیینی ایفا می‌کنند. این عناصر، علاوه بر کارکرد نمایشی، بخشی از نظام معنایی تعزیه را شکل می‌دهند و پیوندی میان جهان مادی و امر قدسی برقرار می‌سازند. در سوی دیگر، ارداویراف‌نامه به عنوان یکی از متون برجسته ادبیات ایران باستان، روایتی مبتنی بر سفر اخروی، مواجهه با نیروهای مینوی و توصیف جهان پس از مرگ ارائه می‌کند. حضور گسترده موجودات فراطبیعی در این متن و شباهت برخی الگوهای

1. Julia Kristeva

توصیفی و معنایی آن با تعزیه‌نامه‌هایی چون «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم»، امکان بررسی روابط بینامتنی میان این متون را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با تمرکز بر دو تعزیه‌نامه یادشده، می‌کوشد نحوه بازنمایی موجودات فراطبیعی و چگونگی شکل‌گیری روابط بینامتنی میان این متون و ارداویراف‌نامه را در چارچوب نظری ژرار ژنت بررسی کند. هدف اصلی پژوهش، تحلیل شیوه‌های بازآفرینی و دگرگونی عناصر فراطبیعی در تعزیه و تبیین پیوند آن با سنت روایی ایران باستان است.

۲-۱. بیان مسئله

تعزیه به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های نمایش آیینی ایران، همواره بستری برای بازنمایی مفاهیم قدسی، اسطوره‌ای و فراانسانی بوده است. در بسیاری از تعزیه‌نامه‌ها، موجودات فراطبیعی همچون ملائکه، شیاطین، اجنه و موجودات شگفت، نقشی اساسی در پیشبرد کنش نمایشی، تقابل خیر و شر و القای معناهای آیینی ایفا می‌کنند. این موجودات صرفاً عناصر تخیلی یا تزئینی نیستند؛ بلکه بخشی از نظام معنایی و نمایشی تعزیه را شکل می‌دهند و از طریق حضور خود، پیوندی میان جهان مادی و امر قدسی برقرار می‌سازند. با این حال، چگونگی بازنمایی این موجودات و نسبت آن با سنت‌های روایی و اسطوره‌ای پیشین، کمتر به صورت مستقل و روشمند مورد بررسی قرار گرفته است. از سوی دیگر، متون باستانی ایرانی همچون ارداویراف‌نامه نیز سرشار از روایت‌هایی هستند که در آن‌ها موجودات فراطبیعی، سفر اخروی، نیروهای مینوی و تقابل خیر و شر نقشی بنیادین دارند. وجود شباهت‌های مضمونی و کارکردی میان این متن و برخی تعزیه‌نامه‌ها، به ویژه «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم»، امکان مطالعه روابط بینامتنی میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. در این میان، نظریه بینامتنیت ژرار ژنت می‌تواند بستری نظری برای تحلیل چگونگی بازتولید، دگرگونی و بازآفرینی این عناصر فراطبیعی در متون متأخر فراهم آورد. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با

تعزیه، متون باستانی و نظریه بینامتنیت، تاکنون مطالعه‌ای مستقل درباره‌ی بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌های یادشده با تکیه بر ارداویراف‌نامه و در چارچوب نظری ژرار ژنت انجام نشده است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که این موجودات در تعزیه‌نامه‌های «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم» چگونه بازنمایی شده‌اند و این بازنمایی‌ها چه روابط بینامتنی‌ای با ارداویراف‌نامه برقرار می‌کنند. بررسی این مسئله می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از پیوند میان سنت‌های روایی ایران باستان و ساختار نمایشی-آیینی تعزیه بینجامد.

۱-۲-۱. سؤالات

پرسش اصلی: موجودات فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌های «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم» چگونه بازنمایی شده‌اند و این بازنمایی‌ها چه روابط بینامتنی‌ای با ارداویراف‌نامه دارند؟ موجودات فراطبیعی در این تعزیه‌نامه‌ها و در ارداویراف‌نامه از نظر شیوه روایت، توصیف و کارکرد روایی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟

پرسش فرعی: بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌های موردنظر و ارداویراف‌نامه از نظر کارکرد و شیوه توصیف چه شباهت‌ها تفاوت‌هایی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده در حوزه تعزیه، موجودات فراطبیعی و متون کهن ایرانی، هر یک بخشی از ابعاد موضوع حاضر را بررسی کرده‌اند؛ اما پژوهشی که به صورت متمرکز به تحلیل بینامتنی بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌ها و تطبیق آن‌ها با ارداویراف‌نامه بر اساس نظریه ژرار ژنت بپردازد، مشاهده نشد. مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط عبارتند از: قربانی (۱۳۹۵) که در مقاله «بررسی تطبیقی نقش موجودات فراطبیعی در اساطیر هند و ایران»، به مطالعه جایگاه اسطوره‌ها و موجودات فراطبیعی

در شکل‌گیری باورهای دینی و فرهنگی پرداخته و نقش این عناصر را در بازتاب نگرش جوامع کهن بررسی کرده است. محسنی (۱۳۹۴) نیز در مقاله «جایگاه و کارکرد فرشتگان در دیانت مسیحی»، نقش فرشتگان را به عنوان واسطه میان جهان انسانی و امر قدسی تحلیل کرده است. همچنین افضل (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیقی لشکریان اهریمنی در کتاب مقدس و اساطیر یونان و خاورمیانه»، به مطالعه منشأ و کارکرد نیروهای شر در متون دینی و اسطوره‌ای پرداخته است. این پژوهش‌ها اگرچه در شناخت جایگاه موجودات فراطبیعی اهمیت دارند؛ اما ارتباطی با ساختار روایی تعزیه و تحلیل بینامتنی متون نمایشی ندارند. در حوزه تعزیه، غلامی هوجقان (۱۳۹۷) در مقاله «واکاوی تعزیه به مثابه امر بازتولیدی با تمرکز بر رویکرد بینامتنی»، تعزیه را در پیوند با آیین‌ها و متون پیشین بررسی کرده و بر جنبه بازتولیدی این نمایش آیینی تأکید داشته است. همچنین رشیدی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی تقابل فرهنگ و طبیعت در آیین تعزیه»، ساختار معنایی تعزیه را از منظر تقابل‌های فرهنگی تحلیل کرده است. با این حال، در این پژوهش‌ها موجودات فراطبیعی و نحوه بازنمایی آن‌ها به صورت مستقل بررسی نشده‌اند. در حوزه متون کهن ایرانی نیز طاهری (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل ظرفیت‌های نمایشی ارداویراف‌نامه»، قابلیت‌های نمایشی این متن را با رویکرد زبان‌شناختی مطالعه کرده است. همچنین بشیری و محمدی (۱۳۹۳) در پژوهش «ریشه‌یابی نبرد سام با عوج بن عنق»، به بررسی تطبیقی عناصر حماسی و دینی در روایت عوج بن عنق پرداخته‌اند. این مطالعات اگرچه به برخی عناصر اسطوره‌ای و نمایشی اشاره دارند؛ اما بر تحلیل بینامتنی موجودات فراطبیعی در تعزیه تمرکز ندارند. بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین، تعزیه، موجودات فراطبیعی و متون کهن ایرانی را عمدتاً به صورت جداگانه مطالعه کرده‌اند و تحلیل تطبیقی این عناصر در چارچوب نظری بینامتنیت ژرار ژنت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تمرکز بر تعزیه‌نامه‌های «عوج

بن عنق» و «چاه بئرالعلم» و تطبیق آن‌ها با ارداویراف‌نامه، نحوه بازنمایی موجودات فراطبیعی و روابط بینامتنی میان این متون را بررسی کند.

۳. روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه منابع مرتبط، فیش‌برداری و استخراج شواهد متنی صورت گرفته است. جامعه مورد مطالعه شامل دو تعزیه‌نامه «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم» و متن باستانی ارداویراف‌نامه است. در این مقاله، ابتدا نحوه بازنمایی موجودات فراطبیعی در متون مورد مطالعه بررسی شده و سپس وجوه اشتراک و تفاوت آن‌ها از منظر روایی و معنایی تحلیل گردیده است. همچنین، با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت، روابط بینامتنی میان متون و چگونگی بازآفرینی یا دگرگونی عناصر فراطبیعی در تعزیه‌نامه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. روش تطبیقی پژوهش، امکان بررسی نحوه انتقال و بازنمایی عناصر فراطبیعی از متون کهن به ساختار نمایشی تعزیه را فراهم می‌سازد و زمینه‌ای برای تحلیل پیوند میان سنت روایی ایران باستان و نمایش آیینی تعزیه ایجاد می‌کند.

۴. چارچوب نظری تحقیق

۴-۱. بینامتنیت و مطالعه متون نمایشی

بینامتنیت بر این اصل استوار است که هیچ متنی به صورت مستقل معنا نمی‌یابد و فهم هر اثر، در پیوند با متون پیشین و هم‌زمان شکل می‌گیرد. بر این اساس، متن همواره در شبکه‌ای از روابط متنی قرار دارد و معنا از خلال تعامل میان متون تولید می‌شود.

«نظریه پردازان ادعا دارند که کار خوانش ما را به شبکه‌ای از روابط متنی وارد می‌کند. تأویل کردن یک متن، کشف کردن معنا یا معانی آن، در واقع ردیابی همین

روابط است؛ بنابراین، خوانش به صورت روندی از حرکت در میان متون درمی آید. معنائیز چیزی می شود که بین یک متن و همه دیگر متون مورد اشاره و مرتبط با آن موجودیت می یابد؛ و این برون روی از متن مستقل و ورود به شبکه ای از مناسبات متنی است: متن بینامتن می شود» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱).

«با ابداع بینامتنیت، در اغلب نظریه هایی که قبلاً وجود داشتند، بازنگری شد و بعضی مخالف آن و بعضی همسو با آن حرکت کردند. اندیشه ای که بینامتنیت آن را رواج داده بر این قاعده استوار است که هیچ متنی، آزاد از متون دیگر نیست. متن، نه تنها مستقل و خودبسنده نیست؛ بلکه پیوندهایی دوسویه و بعضاً چندسویه و تنگاتنگ، با سایر متون برقرار می کند. نکته مهم اینکه، متونی که در پیوند با یکدیگر هستند می توانند از یک سنخ، مثلاً ادبی یا غیر ادبی، باشند و یا به یک عصر تعلق نداشته باشند» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۷۲).

در ادامه، ژرار ژنت با گسترش این نظریه، گونه های مختلف روابط میان متون را در قالب مفاهیمی چون بینامتنیت (Intertextuality)، فرامتنیت (Metatextuality)، پیرامتنیت (Paratextualite)، سرمتنیت (Arcitextualite) و بیش متنیت (Hypertextualite) طبقه بندی کرد و آن را به ابزاری تحلیلی برای مطالعه ساختار و عملکرد متون تبدیل ساخت (لچت، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۳). بر این اساس، نظریه بینامتنیت ژنت در این پژوهش به عنوان چارچوبی تحلیلی برای بررسی شباهت ها، تفاوت ها و شیوه انتقال عناصر روایی و معنایی به کار گرفته می شود.

۴-۲. بازنمایی موجودات فراطبیعی در متون روایی و آیینی

موجودات فراطبیعی در متون کهن ایرانی و تعزیه، بخشی از نظام روایی و معنایی آثار را شکل می دهند و اغلب در پیوند با مفاهیمی چون خیر و شر، امر قدسی، داوری اخلاقی و جهان پس از مرگ بازنمایی می شوند. در ارداویراف نامه، این موجودات عمدتاً

کارکردی تعلیمی و دینی دارند و در خدمت روایت سفر اخروی و انتقال مفاهیم اخلاقی قرار می‌گیرند. در مقابل، در تعزیه‌نامه‌های «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم»، موجودات فراطبیعی علاوه بر حفظ جنبه‌های اعتقادی، کارکردی نمایشی و آیینی نیز می‌یابند و در شکل‌دهی به کنش دراماتیک، تقابل نیروهای خیر و شر و ایجاد تجربه‌ای جمعی برای مخاطب نقش ایفا می‌کنند. بررسی نحوه بازنمایی این موجودات، امکان مطالعه تفاوت‌ها و اشتراکات دو سنت روایی متفاوت را فراهم می‌سازد. از این منظر، تحلیل بینامتنی متون مورد مطالعه نشان می‌دهد که تعزیه، ضمن بهره‌گیری از الگوهای روایی و معنایی متون کهن، عناصر فراطبیعی را متناسب با ساختار آیینی و نمایشی خود بازآفرینی کرده و به آن‌ها کارکردی متفاوت بخشیده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. بازنمایی موجودات فراطبیعی در ارداویراف‌نامه

بررسی ارداویراف‌نامه نشان می‌دهد که موجودات فراطبیعی در این متن، نقشی بنیادین در سازمان‌دهی ساختار روایی و انتقال مفاهیم اخلاقی و دینی دارند. روایت بر پایه سفر معنوی ارداویراف به جهان پس از مرگ شکل گرفته و موجودات فراطبیعی، واسطه ورود او به قلمرو متافیزیکی اند. شخصیت‌هایی چون «سروش اهرو»، «آذر ایزد»، «امشاسپندان»، «فروهر» و «اهریمن» مهم‌ترین عناصر فراطبیعی این متن را تشکیل می‌دهند. در فصل دوم و چهاردهم، سروش اهرو و آذر ایزد، ارداویراف را در مسیر مشاهده بهشت و دوزخ هدایت می‌کنند. در متن آمده است: «پس سروش اهرو و آذر ایزد دست من گرفته گفتند که بیا تا تو را نمایم بهشت و دوزخ...» (معین، ۱۳۵۰: ۷۸). در این بخش، فرشتگان علاوه بر ایفای نقش هدایت‌گر، واسطه انتقال معرفت دینی و اخلاقی هستند. همچنین اهریمن، دیوان و پتیارگان در جایگاه نیروهای شر و تباهی ظاهر می‌شوند و ساختار دوگانه خیر و شر را تثبیت می‌کنند.

«چنان سرما و دمه و خشکی و تعفنی دیدم که هرگز در گیتی به آن آیین نه دیده و نه شنیده بودم. فرازتر رفته دیدم مدهش دوزخ ژرف مانند سهمگین ترین چاه به تنگ تر و بیمناک تر جای فروبرده شده بود به تاریکی... همه جا جانوران موذی بود که کمترین آن ها به بلندی کوه ایستاده بودند. از روان بدکاران چنان می گسستند و در چنگ می گرفتند و خرد می کردند مثل سگ استخوان را» (معین، ۱۳۵۰: ۱۰۰).

روایت ارداویراف نامه، با تمرکز بر پاداش و کیفر اخروی، کارکردی تعلیمی و آخرت محور دارد و موجودات فراطبیعی در خدمت تبیین نظم قدسی جهان قرار می گیرند «پس روان گناهکار به آن زن گوید که تو چه هستی که من هرگز از آفریدگان اهورامزدا و اهریمن از تو زشت تر و ریمن تر و گوری تر ندیده ام. اون گفت که منم کنشن (عمل) تو ای جوان بداندیشه، بدمنش، بدکردار، بدکار، بددین...» (معین، ۱۳۵۰: ۹۸). از سوی دیگر، مفاهیمی چون «فروهر» و «مینوکان» بیانگر اعتقاد به بقای روح و استمرار حیات پس از مرگ اند. این عناصر، جهان روایت را از سطح واقعیت مادی فراتر می برند و ساختار متافیزیکی متن را شکل می دهند.

۲-۵. بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه نامه های عوج بن عنق و چاه بئرالعلم

در دو تعزیه نامه «عوج بن عنق» و «چاه بئرالعلم»، موجودات فراطبیعی علاوه بر جنبه اعتقادی، دارای کارکردی اجرایی و نمایشی هستند و در پیشبرد کنش دراماتیک نقش مستقیم دارند. در این متون، شخصیت هایی چون جنیان، دیوان، ارواح پیامبران و نیروهای اهریمنی، بخشی از نظام روایی تعزیه را تشکیل می دهند. در تعزیه «عوج بن عنق»، موسی^(ع) از طریق فرشته ای الهی از رخداد های آینده آگاه می شود و به مشاهده جهانی فراتر از جهان انسانی دست می یابد. این فرایند، از حیث ساختار روایی، با سفر معنوی ارداویراف قابل مقایسه است. همچنین موجوداتی چون عوج، دیوان و جنیان، در مقام نیروهای شر ظاهر می شوند و تقابل خیر و شر را در بستری نمایشی بازنمایی می کنند:

«... حضرت موسی^(ع) مأمور به کشتن وی شد. حضرت موسی^(ع) در مواجهه با آن موجود عجیب و غریب نمی‌دانست چه باید بکند. وی خود را در این جنگ نابرابر، عاجز و ناتوان می‌دید ولی فرشته خدا برای تقویت روحیه او نازل شد و موسی را تهییج کرد و از میان دو انگشت صحنه مبارزه شیر خدا علی^(ع) با عمرو بن عبدود را به او نشان داد و موسی با دیدن شجاعت علی^(ع) جرئت یافت و نیزه‌ای به قوزک پای عوج زد و عوج بر زمین افتاد...» (جزائری، ۱۳۸۸: ۱۸۱ و نادعلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۷۱).

در این متن، موجودات فراطبیعی تنها عناصر اعتقادی نیستند؛ بلکه به ایجاد تعلیق، انتقال احساس و تقویت فضای آیینی کمک می‌کنند. در تعزیه «چاه بئرالعلم» نیز جنیان و نیروهای اهریمنی حضوری فعال دارند.

«حضرت به همراهان فرمود از مشاهده سرهای بریده و شعله‌های آتش نهراسید و فرار نکنید و با قدرت ایمان درحالی که ذکر می‌گفت به چاه نزدیک شد. تن پوشی فراخ بر جسم مبارک پوشید و با مشکی بزرگ به قعر چاه رفت در ضمن به یاران فرمود: این چاه، مکان جنیان است و هر بار که صدای تکبیر مرا شنیدید یکی از کفار جن را به درک فرستاده‌ام و شما در جای خود بمانید و بیم نداشته باشید. در آن تاریکی شب و در قعر آن چاه عمیق غوغایی بر پا شد. هزار تکبیر، نشانه قتل هزار نفر جن بود...» (نادعلی زاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱ و بحرانی، ۱۳۸۴: ۳۱۱).

روایت بر نمایش پاداش و عذاب و بازنمایی عدالت استوار است و موجودات فراطبیعی، واسطه انتقال این مفاهیم هستند. در بخشی از تعزیه، امام علی^(ع) از مجازات جنیان کافر سخن می‌گوید و بدین ترتیب، جهان انسانی با جهان ماورایی پیوند می‌یابد. برخلاف ارداویراف‌نامه که ساختاری تعلیمی و توصیفی دارد، تعزیه‌ها عناصر فراطبیعی را به بخشی از تجربه اجرایی و جمعی مخاطب تبدیل می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که تعزیه، موجودات فراطبیعی را از سطح روایت دینی به سطح کنش نمایشی و آیینی منتقل می‌کند.

۳-۵. تحلیل بینامتنی متون بر اساس نظریه ژرار ژنت

مطالعه تطبیقی متون نشان می‌دهد که میان ارداویراف‌نامه و دو تعزیه مورد بررسی، روابط بینامتنی قابل توجهی وجود دارد. این روابط عمدتاً در قالب «بینامتنیت ضمنی» و «فرامتنیت» قابل تحلیل‌اند؛ زیرا تعزیه‌ها بدون ارجاع مستقیم به ارداویراف‌نامه، برخی الگوهای روایی و ساختارهای معنایی آن را بازآفرینی می‌کنند. «فرامتنیت: هرگاه متنی را به متنی دیگر، بی‌آنکه ذکر کنیم، پیوند بزنیم.» (لچت، ۱۳۹۲: ۱۰۳) یکی از مهم‌ترین وجوه اشتراک، حضور موجودات واسطه میان جهان انسانی و جهان قدسی است. سروش اهر و آذر ایزد در ارداویراف‌نامه و فرشتگان یا ارواح پیامبران در تعزیه‌ها، نقش هدایت‌گر و انتقال‌دهنده معرفت را ایفا می‌کنند (معین، ۱۳۵۰: ۷۵) همچنین اهریمن، دیوان و جنیان در هر سه متن، بازنمایند نیروهای شر و ضد قدسی‌اند. با وجود این شباهت‌ها، نحوه بازنمایی موجودات فراطبیعی در متون متفاوت است. ارداویراف‌نامه این عناصر را در قالب روایتی تعلیمی و آخرت‌محور ارائه می‌کند، درحالی‌که تعزیه‌ها آن‌ها را به عناصر اجرایی و نمایشی تبدیل می‌کنند. «حضرت آدم^ع را دختری بود عنق نام که به‌طور خارق‌العاده‌ای رشد کرد و از نظر قد و قامت و وضعیت جسمی از صورت انسانی خارج و بسیار چاق شد؛ به‌طوری‌که وقتی می‌نشست یک جریب زمین را اشغال می‌کرد. این زن به شدت عصبی و بداخلاق بود؛ آن‌چنان‌که اخلاق و برخورد وی ضرب‌المثل شد و هنوز آدم‌های بدخلق را به او مثل می‌زنند و می‌گویند فلانی خیلی عنق است (عنق)» (جزائری، ۱۳۸۸: ۱۸۱ و نادعلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۷۱) در تعزیه، موجودات فراطبیعی علاوه بر انتقال مفاهیم دینی، در ایجاد تجربه عاطفی و آیینی مخاطب نیز نقش دارند. این تفاوت نشان می‌دهد که تعزیه، عناصر مشترک با متون کهن را متناسب با ساختار اجرایی خود بازتفسیر کرده است. بر این اساس، می‌توان گفت تعزیه‌نامه‌ها ضمن تأثیرپذیری از سنت‌های روایی و متون کهن ایرانی، ساختار روایی مستقلی ایجاد کرده‌اند که در آن، موجودات

فراطبیعی علاوه بر کارکرد معرفتی، دارای کارکرد نمایشی و آیینی نیز هستند. این مسئله نشان می‌دهد که بازنمایی موجودات فراطبیعی در تعزیه، حاصل تعامل میان پیش‌متن‌های کهن و ساختار اجرایی نمایش آیینی است.

جدول ۱. مقایسه بازنمایی موجودات فراطبیعی و روابط بینامتنی متون

مؤلفه	نوع رابطه بینامتنی	ارداویراف‌نامه	تعزیه چاه بنرالعلم	تعزیه عوج بن عنق
موجودات فراطبیعی	بینامتنیت ضمنی	سروش، اهرو، آذر، ایزد، امشاسپندان، اهریمن	جنیان، دیوان، پتیارگان	موسی (ع)، ارواح پیامبران، دیوان، جنیان
کارکرد موجودات	فرامتنیت	هدایت معنوی، آموزش دینی و اخلاقی	نمایش پاداش و عذاب، بازنمایی عدالت	پیش‌آگاهی، هدایت، بازنمایی خیر و شر
ساختار روایت	بازآفرینی روایی	تعلیمی و آخرت‌محور	نمایشی - اعتقادی	نمایشی و آیینی
بازنمایی جهان ماورایی	اشتراک در الگو متافیزیکی	سفر به بهشت و دوزخ	پیوند جهان انسانی و ماورایی	مشاهده رخداد‌های آینده
کارکرد اجرایی	دگرگونی کارکرد روایت	انتقال معرفت دینی	تقویت تجربه آیینی مخاطب	ایجاد تعلیق و تجربه جمعی
بازنمایی نیروهای شر	تداوم الگوی خیر و شر	اهریمن و دیوان	اهریمن و پتیارگان	دیوان و جنیان
نمونه متنی	بازتاب ساختار روایی مشترک	هدایت ارداویراف توسط سروش اهرو	مجازات جنیان کافر	آگاهی موسی (ع) از نبرد آینده

۶. نتیجه‌گیری

تعزیه‌ها، بدون ارجاع مستقیم به متن باستانی، برخی الگوهای روایی و ساختارهای معنایی آن را بازآفرینی کرده‌اند. این روابط عمدتاً در قالب بینامتنیت ضمنی و فرامتنیت قابل تحلیل هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موجودات فراطبیعی در هر سه متن، نقشی فراتر از عناصر تخیلی یا اسطوره‌ای دارند و به عنوان واسطه‌ای میان جهان انسانی و جهان قدسی عمل می‌کنند. باین حال، تفاوت اصلی متون در نحوه بازنمایی این موجودات است. در ارداویراف‌نامه، موجودات فراطبیعی در خدمت روایتی تعلیمی، اخلاقی و آخرت‌محور قرار دارند و کارکرد آن‌ها انتقال معرفت دینی و تبیین نظام پاداش و کیفر است. در مقابل، تعزیه‌ها این عناصر را وارد ساختار اجرایی و آیینی می‌کنند و از آن‌ها برای ایجاد تجربه‌ای عاطفی، جمعی و نمایشی بهره می‌گیرند. بررسی تطبیقی متون همچنین نشان داد که مفاهیمی چون سفر به جهان دیگر، حضور نیروهای خیر و شر، هدایت معنوی و مشاهده پاداش و عذاب، در هر سه متن دارای الگوی روایی مشترکند؛ اما شیوه بازنمایی آن‌ها متناسب با ساختار و کارکرد هر متن دگرگون شده است. از این رو، تعزیه صرفاً بازتاب‌دهنده متون کهن نیست؛ بلکه با بازتفسیر عناصر فراطبیعی، آن‌ها را با اقتضائات نمایش آیینی و تجربه مخاطب هماهنگ می‌کند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که موجودات فراطبیعی در تعزیه، علاوه بر کارکرد اعتقادی و اخلاقی، بخشی از سازوکار اجرایی و نمایشی اثر محسوب می‌شوند و معنا و عملکرد آن‌ها در پیوند با بستر آیینی شبیه‌خوانی شکل می‌گیرد. این مسئله نشان می‌دهد که تعزیه، ضمن بهره‌گیری از سنت‌های روایی و متون کهن ایرانی، نظام بازنمایی مستقلی ایجاد کرده است که در آن، عناصر فراطبیعی به ابزاری برای انتقال تجربه آیینی و شکل‌دهی به کنش نمایشی تبدیل می‌شوند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به دشواری دسترسی به نسخه‌های قدیمی تعزیه‌نامه‌ها، کمبود منابع تحلیلی درباره موجودات فراطبیعی در متون نمایشی و فقدان نسخه‌های اجرایی کامل از برخی تعزیه‌های مورد

بررسی اشاره کرد؛ با این حال، نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز مطالعاتی در حوزه تحلیل بینامتنی متون نمایشی، بررسی تحول موجودات فراطبیعی در روایت‌های ایرانی و مطالعه ظرفیت‌های نمایشی متون کهن ایرانی باشد.

جدول ۲. جدول وجه شباهت موجودات

نام موجودات فراطبیعی	متن / منبع	ویژگی‌ها و نقش	نوع بازنمایی	وجه شباهت با سایر متون
عوج (انسان‌نما با هیبتی عظیم)	عوج بن عنق	نماد قدرت و رذیلت، شخصیت مرکزی تعزیه	مستقیم، نمایشی	مشابه تصویری از قهرمانان باستانی در ارداویراف‌نامه
دیو	عوج بن عنق / ارداویراف‌نامه	نماد پلیدی و شرارت	توصیفی، نمادین	مشابه اهریمن، دیو و پتیارگان در ارداویراف‌نامه
پتیاره	عوج بن عنق / ارداویراف‌نامه	جنی از جمع دیوان، نمایانگر پستی و فساد	مستقیم، نمادین	همان نقش در ارداویراف‌نامه
اهریمن	عوج بن عنق / ارداویراف‌نامه / چاه بئرالعلم	نماد شر مطلق، دشمن انسان	مستقیم، آموزنده، هشداردهنده	حضور ثابت در تمام متون، نقش مشابه
جنیان	چاه بئرالعلم	موجودات غیرانسانی، مایه آزمایش انسان	توصیفی، نمادین	مشابه اجنه در ارداویراف‌نامه
فرشتگان / امشاسپندان	عوج بن عنق / ارداویراف‌نامه	پیام‌رسان، نظارت اخلاقی، هدایت‌کننده	مستقیم، راهنمایی	مشابه عملکرد فرشتگان مقرب در تعزیه
فروهر (روح)	ارداویراف‌نامه	نماد جاودانگی و هدایت روح	توصیفی، معنوی	مشابه ارواح پیامبران در تعزیه

نام موجودات فراطبیعی	متن / منبع	ویژگی ها و نقش	نوع بازنمایی	وجه شباهت با سایر متون
سروش اهر و آذر ایزد	ارداویراف نامه	فرشتگان مقرب، نماینده اهورامزدا	مستقیم، پیام رسان	مشابه نقش فرشتگان در تعزیه عوج بن عنق
روح پیامبران	عوج بن عنق	راهنمای اخلاقی، انتقال دهنده پیام	مستقیم، نمادین	مشابه فروهر در ارداویراف نامه
مینوکان	ارداویراف نامه	ساکنان آخرت، ناظر اعمال انسان	توصیفی، نمایشی	مشابه حضور ارواح پیامبران در تعزیه

فهرست منابع

۱. آلن، گراهام (۱۳۸۰). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
۲. براتی، پرویز (۱۳۹۷). دیونامه (بازشناسی چهره موجودات خیالی در روایت های ایرانی). تهران: چشمه.
۳. بحرانی، سیدهاشم (۱۳۸۴). مدینه المعاجز. قم: ارمغان یوسف.
۴. بیضایی، بهرام (۱۳۴۴). نمایش در ایران. تهران: کاویان.
۵. جزائری، سیدنعمت الله (۱۳۸۸). تاریخ انبیا (از خلقت آدم تا رحلت خاتم). قم: اجود.
۶. علامه حلی (۱۳۸۰). در سوگ امیر آزادی. قم: حاذق.
۷. قمی، عباس (۱۳۸۴). منتهی الآمال. تهران: باقرالعلوم.
۸. لپجت، جان (۱۳۱۲). پنجاه متفکر بزرگ معاصر از ساختگرایی تا پسامدرنیته. محسن حکیمی، چ ۴. تهران: خجسته.
۹. معین، محمد (۱۴۰۲). ارداویراف نامه. رشید یاسمی. تهران: نیایش.
۱۰. نادعلی زاده، غلامعلی (۱۳۹۰). نامه تعزیه. تهران: متن.
۱۱. همایونی، صادق (۱۳۶۳). تعزیه در ایران. شیراز: نوید.